



Legal and Criminological Analysis of Apology for Moral Damage Resulting from Crime

Mohamad Javad Fathi¹, Hadi Keramati Moez²✉

Abstract

Field and Aims: Apology, as one of the mechanisms of restorative justice, not only allows the victim to regain a sense of self-worth and respect but also serves as a restorative and soothing step in the restorative justice process. In Iranian law, the legislator recognizes moral damages resulting from crime as compensable and identifies apology as one of the tools for compensation. However, the necessary legal mechanisms for this purpose have not been established. This article aims to explore the ontology and characteristics of apology, identify the process of apology within the restorative justice system, and explain its impact on the three dimensions of crime.

Method: This study was conducted using a descriptive-analytical approach.

Findings and Conclusions: From a legal perspective, an effective apology not only aids in compensating the victim's non-material damages but also contributes to reducing tensions arising from the crime and facilitates the processes of reconciliation, dispute resolution, and criminal mediation. This issue is significant in the Iranian legal system, especially within the framework of laws related to restorative justice, and requires further attention to strengthen apology as an important component in the process of compensating for non-material damages. From the perspective of criminological principles, an apology not only helps improve the relationship between the victim and the offender but also creates the necessary groundwork for the offender's reintegration into society and reduces the risk of reoffending.

Keyword: Apology, Moral Damages, Victim, Restorative Justice, Accountability, Compensation for Damages.

*Citation (APA): Fathi, M.J. and Keramati Moez, H. (2024). Legal and Criminological Analysis of Apology in Compensation for Moral Damages Caused by Crime. *Applied criminology research*, 2(5), 1-24.

https://qacr.ir/article_722265.html?lang=en

1. Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran. Email: mjfathi@ut.ac.ir

2. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Toloumeh University, Qom, Iran. (Author). Email: keramatihadi@ut.ac.ir



تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی عذرخواهی در قبال زیان معنوی ناشی از جرم

محمد جواد فتحی^۱، هادی کرامتی معز^۲

چکیده

زمینه و هدف: عذرخواهی به عنوان یکی از سازوکارهای عدالت ترمیمی علاوه بر اینکه به بزه‌دیده این امکان را می‌دهد که حس ارزشمندی و احترام خود را بازیابد، می‌تواند به‌عنوان اقدامی ترمیمی و تسکین‌دهنده در روند عدالت ترمیمی ایفای نقش کند. در حقوق ایران نیز قانون گذار، خسارت های معنوی ناشی از جرم را قابل جبران دانسته و عذرخواهی را به عنوان یکی از ابزارهای جبران، شناسایی کرده است. با این وجود، سازوکارهای قانونی لازم در این خصوص، پیش بینی نشده است. در این مقاله هدف هستی شناسی عذرخواهی و اوصاف آن و شناسایی فرایند عذرخواهی در سیستم عدالت ترمیمی و همچنین تبیین تأثیر عذرخواهی بر سه ضلع جرم است.

روش: پژوهش حاضر به صورت روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها و نتایج: از دیدگاه حقوقی عذرخواهی موثر نه تنها به جبران زیان‌های معنوی بزه‌دیده کمک می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به کاهش تنش‌های ناشی از جرم و تسهیل در فرآیند صلح و سازش و میانجیگری کیفری شود. این مسئله در نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در چارچوب قوانین مرتبط با عدالت ترمیمی، حائز اهمیت است و نیاز به توجه بیشتری دارد تا عذرخواهی به‌عنوان یک مؤلفه مهم در فرآیند جبران زیان‌های معنوی تقویت شود، همچنانکه از منظر آموزه های جرم‌شناسی، عذرخواهی نه تنها به بهبود روابط بزه‌دیده و بزهکار کمک می‌کند، بلکه بستر لازم برای بازپذیری بزهکار در جامعه و کاهش خطر بازگشت به جرم را نیز فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: عذرخواهی، زیان معنوی، بزه‌دیده، عدالت ترمیمی، مسئولیت‌پذیری، جبران خسارت.

استناددهی (APA): فتحی، محمد جواد و کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). تحلیل حقوقی و جرم‌شناختی عذرخواهی در قبال جبران زیان معنوی ناشی از جرم. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۲(۵)، ۱-۲۴.

https://www.qacr.ir/article_722265.html

۱. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

رایانامه: mjfathi@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: keramatihadi@ut.ac.ir

مقدمه

یکی از رویکردهای نوین در زمینه عدالت، تأکید بر مفهوم «عدالت ترمیمی» به عنوان جایگزین یا مکملی برای عدالت کیفری سنتی است. در این رویکرد، عذرخواهی به عنوان ابزاری برای جبران زیان معنوی ناشی از جرم و کاهش آسیب‌های روانی بزه‌دیدگان مطرح شده است. عذرخواهی به عنوان نشانه‌ای از پشیمانی و پذیرش مسئولیت می‌تواند بستر مناسبی برای بهبود رابطه میان بزه‌دیده و بزهکار فراهم آورد و مسیر بازگشت بزهکار به جامعه را هموارتر سازد.

در فرآیندهای ترمیمی، عذرخواهی یک ابزار مناسب است که شرایط برگشت‌پذیری مجرم به جامعه را تسهیل می‌کند که در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری تبصره ۱ ماده ۲۴ آن مورد اشاره قرار گرفته است. از منظر حقوقی، عذرخواهی می‌تواند به عنوان بخشی از فرآیند جبران خسارت غیرمادی بزه‌دیده در نظر گرفته شود که علاوه بر ابعاد روانی، تأثیرات حقوقی و جرم‌شناختی مهمی دارد. این اقدام با بازگرداندن حس عدالت به بزه‌دیده، ضمن بهبود سلامت روانی و کاهش حس انتقام‌جویی، به ایجاد بازپذیری اجتماعی بزهکار کمک می‌کند.

تحقیقات حاکی از تأثیر بالای عذرخواهی بر تکرار جرم است، به گونه‌ای که نوجوانان بزهکاری که عذرخواهی نکرده‌اند، در مقایسه با نوجوانانی که عذرخواهی کرده‌اند، احتمال این که آن جرم را دوباره انجام دهند، سه برابر است (موریس^۱ و مکسول^۲، ۱۹۹۷: ۱۲۵-۱۳۴). همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد که بزه‌دیده از لفظ بخشش استفاده نمی‌کند، بلکه با لبخند یا دست بر شانه بزهکار گذاشتن و یا بغل کردن، به عذرخواهی او پاسخ می‌دهند و شهادت او را در روبروی با خود تحسین می‌نمایند و برای بزهکار آرزوی خوشبختی و آینده‌ای درخشان دارند (شپ‌لند^۳، ۲۰۱۶: ۱۰۳). با این وجود، همه این مفاهیم می‌تواند به معنای پذیرفتن عذرخواهی باشد؛ هرچند که بخشیدن و پذیرفتن عذرخواهی، متفاوت از هم هستند، چرا که بخشش بدون عذرخواهی هم امکان‌پذیر است.

با این وصف، در بُعد جرم‌شناختی نیز عذرخواهی می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بر کاهش نرخ تکرار جرم داشته باشد؛ چرا که بزهکار با پذیرش مسئولیت خود و عذرخواهی از بزه‌دیده، از فرآیند اصلاح و بازپذیری اجتماعی بهره‌مند می‌شود. لذا، در این پژوهش درصدد تحلیل این پرسش است که چه نوع عذرخواهی با چه اوصافی و در چه شرایطی می‌تواند به

1. Morris
2. Maxwell
3. Shapland

بهترین شکل مؤثر و کارآمد باشد؟ مبانی جرم شناختی تأثیر عذرخواهی در قبال جبران زیان معنوی ناشی از جرم چیست؟ و روش اجرایی و تاثیرگذاری عذرخواهی در فرآیند عدالت ترمیمی چگونه است؟ و همچنین، تأثیر عذرخواهی بر سه ضلع جرم به چه صورتی است؟

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

علی اکبری (۱۴۰۱). در پژوهشی با عنوان «جایگاه فرهنگ عذرخواهی و عذرپذیری در آموزه‌های دینی»، به این نتیجه رسیده است که همان طور که توبه و اقرار به گناه در پیشگاه خدا فشار روانی فرد را کاهش می‌دهد، عذرخواهی و پوزش از دیگران نیز موجب آرامش فرد و جامعه می‌شود. از نظر اسلام، عذرخواهی و عذرپذیری امری بسیار پسندیده است. البته، انسان نباید به گونه‌ای رفتار کند که نیازمند عذرخواهی باشد، ولی از آنجا که انسان دستخوش خطاست، از وی خواسته شده است که منش عذرخواهی را در خود ایجاد نماید و در وقت لزوم عذرخواهی کند.

اکبری آرائی و همکاران (۱۳۹۹). در پژوهشی با عنوان «عذرخواهی به عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت معنوی در مسئولیت مدنی»، به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از ابزارهای جبران خسارات معنوی، عذرخواهی است که نقش مهمی هم در ترمیم دردهای روحی زیان دیده و هم در بهبود روابط وی با واردکننده زیان دارد. در حقوق ایران، قانون‌گذار به این شیوه توجه کرده است و در ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی به دادگاه‌ها اختیار داده شد تا در صورت ورود خسارت معنوی، در ضمن حکم، واردکننده زیان را به عذرخواهی ملزم کنند. با وجود این، در قانون، عذرخواهی تعریف نشده و شرایط آن مشخص نگردیده است. کشورهای چون کانادا و آمریکا در این زمینه پیشرو بودند و از ابزار عذرخواهی در تسکین دردهای روحی بهره جسته‌اند و در تعریف و تبیین آن مطالعات زیادی انجام دادند.

مبانی نظری

۱. نظریه جرم‌شناسی صلح‌جو

این شاخه از جرم‌شناسی مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح‌جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و در واقع، مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. نگرش جرم‌شناسی صلح‌طلب در مورد مفهوم جرم و راهکارهای مقابله با آن متفاوت از سایر جرم‌شناسی‌ها است که استفاده از این نگرش و راهکارها در مورد برخی جرائم می‌تواند آثار مفیدی را به همراه داشته باشد (صفاری و صابری، ۱۳۹۸: ۱۴۸).

جرم‌شناسی صلح‌جو (طرفدار صلح) با جنبه‌ها و شاخص‌های متعددی از آموزه‌های جرم‌شناسی انطباق دارد؛ از جمله مهم‌ترین این جنبه‌ها می‌توان به پارادایم «عدالت ترمیمی»^۱

1. Restorative Justice

اشاره داشت که از منظر فلسفه فکری اصلاح‌مداران و ترمیم‌خواه، با جرم‌شناسی صلح‌جو در یک مسیر هستند. در واقع، جرم‌شناسان صلح‌طلب، عدالت ترمیمی را به عنوان پاسخی صلح‌گرا به جرم می‌شناسند و به نوعی، طرفدار عدالت ترمیمی در سیاست جنایی قضایی هستند؛ به عبارت بهتر، ایجاد عدالت ترمیمی مهم‌ترین رسالت جرم‌شناسی صلح‌طلبانه در جهت بازپروری و بازسازی نظام عدالت کیفری است. از این رو، جرم‌شناسی صلح‌جو زمینه‌هایی نو در تغییر اعمال راهبردهای سختگیرانه کنترل جرم به سمت وسوی استفاده از راهبردها و شیوه‌های انسانی همچون مصالحه و میانجیگری می‌باشد.

زمینه شکل‌گیری آموزه‌های جرم‌شناسی عدالت ترمیمی از مطالعه کارنامه‌ی عدالت کیفری در ربع آخر سده‌ی بیستم میلادی به وجود آمد که جنبه‌های سزادهی و بالینی آن را زیر سؤال برده و در نتیجه، سخن از بحران سیاست جنایی به میان آمد. این بحران به نوبه خود منجر به رویکرد انتقادی به مبانی علمی حقوق و عدالت کیفری، یعنی جرم‌شناسی، کیفرشناسی، جامعه‌شناسی و به طور کلی، به علوم جنایی شد؛ چندان که زمینه تولد رویکردهای مطالعاتی جدید مانند جرم‌شناسی صلح‌جو و بزه‌دیده‌شناسی فراهم آمد. مشارکت فعال بزه‌دیده در فرآیند کیفری و تعیین گونه، میزان و نحوه پاسخ به جرم، با همکاری و گفت‌وگو با مرتکب، مبنای مفهوم‌سازی و سپس، حقوقی‌سازی عدالت ترمیمی، به عنوان بدیل یا مکمل عدالت کیفری کلاسیک واقع گردید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶: ۸۰۱).

از میان برنامه‌های مختلف عدالت ترمیمی، میانجی‌گری کیفری، نشست خانوادگی، برنامه صلح و سازش، ماده‌ی ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۵ صرفاً میانجی‌گری کیفری را به رسمیت شناخته است. در حالی که بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله نیوزیلند، برنامه‌های دیگری را مانند نشست خانوادگی پیش‌بینی کرده و در قوانین متعدد مثل قانون کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها مصوب ۱۹۸۹، با نهادینه‌کردن برنامه‌های ترمیمی، تمرکز اصلی را بر کودکان قرار داده است. کنفرانس‌ها، که بر اساس سنت‌های مائوری ساخته می‌شوند، معمولاً متشکل از بزه‌دیده، حامی بزه‌دیده، بزه‌کار، اعضای خانواده و حامیان بزه‌کار، نماینده پلیس و هماهنگ‌کننده عدالت جوانان است که به عنوان یک تسهیل‌کننده عمل می‌کند. هدف از این کنفرانس‌ها، کمک بیش‌تر به خانواده‌ها در روند کار، شناخت نیازهای بزه‌دیده و کمک به برقراری هماهنگی در کل جامعه است. پاسخ‌های احتمالی شامل خدمات اجتماعی، عذرخواهی، جبران خسارت یا شرکت در یک

برنامه درمانی یا مشاوره‌ای است که در صورت توافق، هیچ اتهامی علیه مجرم مطرح نمی‌شود (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۸۹).

عذرخواهی در چارچوب جرم‌شناسی صلح‌جو، به نوعی به رسمیت شناختن رنج و آسیب بزه‌دیده توسط بزه‌کار است که می‌تواند احساس ارزش و احترام را به بزه‌دیده بازگرداند. از طرفی، عذرخواهی واقعی، همدلی و پشیمانی مجرم را به تصویر می‌کشد و از نظر روان‌شناختی می‌تواند فشارهای ناشی از احساس خشم و خسران را کاهش دهد و حتی رضایت بزه‌دیده را تا حدی تأمین کند. این رویکرد راه را برای جبران زیان‌های معنوی هموار می‌کند و می‌تواند تأثیرات روانی و اجتماعی جرم را برای هر دو طرف کاهش دهد.

عذرخواهی و پذیرش مسئولیت بزه‌کار، علاوه بر تأثیر مثبت بر بزه‌دیده، برای بزه‌کار نیز زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا در مسیر اصلاح و پذیرش پیامدهای رفتارش قدم بردارد. در نتیجه، عذرخواهی به عنوان یک اقدام ترمیمی در نظریه جرم‌شناسی صلح‌جو، نه تنها به کاهش زیان‌های معنوی بزه‌دیده کمک می‌کند، بلکه به بازگشت بهتر بزه‌کار به جامعه و بازسازی هویت او نیز کمک می‌کند. در این چارچوب، عدالت ترمیمی و فرآیندهایی مانند گفت‌وگو، مذاکره و عذرخواهی، جایگاه ویژه‌ای در جبران زیان معنوی ناشی از جرم دارند و می‌توانند به کاهش اختلاف‌ها، پیشگیری از تکرار جرم و ایجاد جامعه‌ای پایدارتر و صلح‌آمیزتر کمک کنند.

۲. نظریه شرمساری بازپذیرکننده

نظریه شرمساری بازپذیرکننده را بریت ویت مطرح کرد (بریت ویت^۱) و از نظریه‌های برچسب‌زنی، خرده‌فرهنگی، فرصت، کنترل، معاشرت‌های ترجیحی و یادگیری اجتماعی استفاده می‌کند (ولد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۶۵). این نظریه بیانگر آن است که شرمساری بازپذیرکننده بزه‌کاران به وسیله خانواده‌ها، همسایگان، دوستان و همکاران برخلاف «شرمساری رسواکننده» که حاصل تعامل با دستگاه عدالت کیفری سنتی بوده و منجر به ازبین‌رفتن و گسستن روابط اخلاقی و معنوی میان بزه‌کاران و جامعه می‌شود، به تقویت این روابط کمک کرده و در نهایت، منجر به کنترل بیش‌تر و مؤثرتر جرم شده و بزه‌کار را وادار می‌کند تا بار دیگر تلاش کرده و خود را به عنوان شهروندی مطیع قانون درآورد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۱۳۳).

نکته مهمی که در فرآیند شرمساری بازپذیرکننده باید مورد توجه قرار داد، این است که بدترین روش در اجرای «برنامه‌ی نشست‌های ترمیمی» آن است که مشارکت کنندگان در

1. Braithwaite, 1989

نشست‌های ترمیمی را وادار کنیم که بزهدار را از عمل ارتكابی شرمنده کنیم؛ چرا که این رهنمود در جهت کاهش شرمنده‌سازی بازپذیرکننده و افزایش شرمساری انگ‌زننده است، بنابراین در برنامه‌های عدالت ترمیمی نباید نگاه‌ها و رویکردها در جهت تحقق اهداف به هر وسیله‌ای صورت گیرد و رویکرد نباید صرفاً نتیجه‌محور باشد؛ به دیگر سخن، نباید شرمساری را به عنوان یک هدف نهایی به هر شیوه‌ای تحصیل کرد. بنابراین، علاوه بر توجه به اهداف نهایی در اجرای برنامه‌ها، باید به طول اجرای فرآیند نیز توجه کافی داشت؛ بدین معنا که شرایط و موقعیت بزهدار به عنوان یکی از بازیگران عرصه‌ی عدالت ترمیمی در طول اجرای فرآیند مورد بررسی و دقت کافی قرار گیرد و به منظور بازاجتماعی کردن وی نباید به هر شیوه و وسیله‌ای متوسل شد که چه بسا نتایج عکس حاصل می‌شود (موسوی مجاب و پارسایی، ۱۳۹۶: ۷۶۶-۷۶۷).

بنابراین، درک اهمیت نظریه شرمساری بازپذیرکننده برای دانش جرم‌شناسی نوین و نقش بالقوه مثبت آن در عملکرد کنترل اجتماعی غیرقابل انکار است. تأکید نظریه مزبور بر مقوله شرم و شرمساری، وجدان اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و احیای اجتماع و خانواده و تناسب نسبی آن با فرهنگ دینی و ملی ایرانی، اهمیت این نظریه را دوچندان کرده است که بیش‌تر موفقیت‌پیشگیرانه آن، بر روی وجدان بزهدار نهفته است.

عذرخواهی در این نظریه به‌عنوان یکی از ابزارهای بازپذیرکننده و ترمیمی نقش مهمی ایفا می‌کند. با عذرخواهی، بزهدار به‌طور علنی مسئولیت خود را پذیرفته و از بزه‌دیده و جامعه بابت رفتار ناپسند خود پوزش می‌طلبد. این عذرخواهی، اگر صادقانه باشد، می‌تواند به کاهش احساس خشم و رنجش بزه‌دیده کمک کند و احساس امنیت و ارزش‌مندی را به او بازگرداند. همچنین، از دیدگاه بزهدار، عذرخواهی فرصتی است برای رهایی از شرمساری مخرب و تبدیل آن به شرمساری سازنده، که او را به تغییر مثبت و پذیرش دوباره در جامعه هدایت می‌کند.

شرمساری بازپذیرکننده، عذرخواهی و سایر اقدامات ترمیمی را به‌عنوان فرآیندهایی می‌داند که می‌توانند به بهبود روابط انسانی و بازسازی اعتماد بین بزهدار و بزه‌دیده کمک کنند. این نظریه بر این باور است که اگر بزهدار به جای تنبیه و طردشدن، فرصت بازگشت و اصلاح داشته باشد، احتمال تکرار جرم کاهش می‌یابد و جامعه به‌سوی بازپروری و آرامش هدایت می‌شود. به‌این ترتیب، نظریه شرمساری بازپذیرکننده با تأکید بر پذیرش مسئولیت و اهمیت

عذرخواهی، می‌تواند در فرآیند جبران زیان معنوی ناشی از جرم و بازگشت سازنده بزهکار به جامعه نقشی مؤثر ایفا کند.

یافته‌ها

۱. هستی‌شناسی و اوصاف عذرخواهی

عذرخواهی به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم در تعاملات انسانی، نقشی کلیدی در فرایند بازسازی روابط، جبران خسارت‌های معنوی و حتی برقراری عدالت دارد. این عمل، که از سوی فرد خطاکار یا مسئول در جهت اذعان به خطا و درخواست بخشش صورت می‌گیرد، واجد ابعاد و اوصافی است که آن را به عنصری تأثیرگذار در نظام‌های حقوقی تبدیل می‌کند.

هستی‌شناسی عذرخواهی به درک عمیق از ماهیت این مفهوم می‌پردازد و تلاش می‌کند جنبه‌های مختلف عذرخواهی را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بررسی کند. اوصاف عذرخواهی از قبیل صداقت، پشیمانی واقعی، اعتراف به اشتباه و مسئولیت‌پذیری، این عمل را به یکی از ابزارهای مؤثر در حل اختلافات تبدیل کرده است. مطالعه در مورد این اوصاف و بررسی نقش آن‌ها در جبران خسارت‌های معنوی می‌تواند به فهم بهتر سازوکارهای عملیاتی و حقوقی عذرخواهی کمک کند و همچنین، باعث تبیین بیشتر جایگاه آن شود.

۱-۱. نقش عذرخواهی و الزام دادگاه به جبران زیان معنوی

زیان یا خسارت معنوی یکی از مهم‌ترین اقسام خسارت می‌باشد و مشمول این قاعده کلی است که هر نوع خسارت مشروع و نامتعارف باید توسط عامل ایجادکننده آن جبران گردد و هیچ ضرری بدون جبران باقی نماند. این احتمال که عذرخواهی به بهبود افراد خاطی و بزه‌دیده کمک کند، بسیاری را به حمایت از قوانینی که عذرخواهی را تسهیل می‌کنند، تشویق می‌کند و قضات را به صدور حکم برای عذرخواهی به عنوان بخشش یا مجازات، ترغیب می‌نماید؛ چرا که وقتی مجرمان مسئولیت رفتار خود را قبول می‌کنند، ابراز پشیمانی کرده و عذرخواهی می‌کنند، بزه‌دیدگان با سهولت بهبود می‌یابند، آشتی کرده و می‌بخشند (استفانوس^۱ و ریچارد^۲، ۲۰۰۴: ۹۵).

لذا، نباید از فواید و مزایای عذرخواهی که مرهمی برای دردها و آسیب‌های روحی و عاطفی محسوب می‌شود، غافل شد. اگرچه در حال حاضر، در جبران خسارت معنوی تردیدی نیست، اما در خصوص جبران آن به وسیله عذرخواهی کمی تردید وجود دارد که به نظر این

1. Stephanos
2. Richard

تردید بلاوجه بوده و همان طور که برخی از حقوقدانان اشاره کرده‌اند، در جبران ضرر، چه مادی و چه معنوی، از طریق شیوه‌های غیرپولی، مانند عذرخواهی، تردیدی وجود ندارد (بادینی، ۱۳۹۱: ۹۹).

خسارت معنوی، عذرخواهی و ویژگی‌های آن در نظام مسئولیت مدنی تعریف شده است (اکبری آرائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۴-۲۰۶)، اما برخلاف قانون مسئولیت مدنی که در آن، قانون‌گذار به قاضی اختیار داده تا چگونگی جبران زیان را تعیین کند، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قانون‌گذار دادگاه را ملزم به جبران خسارت معنوی دانسته و قضات بایستی در صورت بروز خسارت معنوی، الزاماً حکم به جبران خسارت دهند. هرچند قانونگذار بیان داشته که علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، می‌توان از عذرخواهی برای جبران خسارت معنوی استفاده کرد (تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری)، با این وجود، دادگاه‌ها در تعیین میزان خسارت کمی تردید دارند؛ شاید به این دلیل که تقویم خسارت ناشی از جرم در خسارت‌های معنوی به دشواری صورت می‌گیرد (اسدی، ۱۳۸۸: ۷۶)، ولی می‌توان این دشواری را با الزام به عذرخواهی تکمیل نمود و قائل بود که خسارت وارده جبران شده است (اکبری آرائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۵).

برای عذرخواهی چهار انگیزه اساسی شامل موارد زیر ذکر نموده اند: (۱) نجات یا بازبازی یک رابطه آسیب دیده. (۲) ابراز تاسف و پشیمانی برای کاهش درد و رنج؛ (۳) فرار از مجازات و (۴) رفع عذاب وجدان (ریهم و دنیس^۱، ۱۹۹۶: ۱۱۵).

در هر حال به‌طور کلی، در بسیاری از نظام‌های حقوقی، عذرخواهی به عنوان بخشی از فرایند عدالت ترمیمی شناخته شده است که هدف آن جبران زیان‌های معنوی و روحی است و به جای تمرکز صرف بر مجازات، بر بهبود و ترمیم وضعیت زیان‌دیده تأکید دارد هم چنان که در نظام حقوقی ایران نیز این مفهوم می‌تواند به‌عنوان بخشی از تدابیر جبران معنوی مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱. اوصاف عذرخواهی مؤثر

عذرخواهی کردن فرایندی است که در ابتدا، بزهکار تلاش می‌کند آنچه را که اتفاق افتاده، توضیح دهد؛ سپس، احساس خود را نسبت به اتفاقی که افتاده، بیان کند و در پایان، درصدد جبران خسارت ناشی از رفتار خود می‌باشد. لذا از یک طرف، بزهکار سعی دارد تا عذرخواهی

1. Rehm & Denise

قلبی و واقعی خود را اظهار دارد و می‌پندارد که بزه‌دیده آن را می‌پذیرد؛ اما در مقابل، زیان‌دیده در نقطه مقابل وی، اظهار تأسف و عذرخواهی بزهکار را واقعی نمی‌داند.

اصولاً، عذرخواهی باید همراه با بیان احساسات باشد و بزهکار باید این احساس خود را به بزه‌دیده منتقل نماید. فضایی که بزهکار در آن قرار می‌گیرد، در ایجاد ارتباط عاطفی بین آن‌ها تأثیر زیادی دارد. این فضا می‌تواند جمعی و یا تنها رابطه دوفرهه بین آن‌ها باشد؛ برای مثال، اگر فردی به دیگری در جمعی توهین کند و یا با درج نوشته در فضای مجازی، اتهامی به اشخاص منتسب نماید و یا هر فضای دیگری، نوع عذرخواهی هم می‌تواند در همان محیط و فضا صورت گیرد تا به صورت واقعی و از روی صداقت باشد و در ذهن بزه‌دیده، مؤثر واقع شود.

همچنین، باید در نظر داشت که نوع و زمان عذرخواهی به منظور اثربخشی و مؤثر بودن به اوضاع و احوال همچون نوع جرم، شدت جرم، نقش بزهکار در ارتکاب جرم، ویژگی‌های شخصیتی بزه‌دیده و بزهکار و مواردی از این قبیل، همگی در عذرخواهی واقعی یا عذرخواهی مؤثر نقش دارند که باید مورد توجه باشند.

لذا، به منظور تأثیرگذار بودن عذرخواهی و اینکه بزه‌دیده آن را بپذیرد، تنها با یک جمله: «من معذرت می‌خواهم» محقق نمی‌شود. باید این احساس امنیت‌خاطر در بزه‌دیده ایجاد شود که عذرخواهی بزهکار واقعی بوده است. بنابراین، باید عواملی را در فرایند دخیل دانست: اولاً، بزهکار باید اتفاقی که افتاده و احساس خود را نسبت به آن بیان کند. این امر به عنوان نشانه‌ای برای بیان تأسف و همدردی با بزه‌دیده است. بنابراین، اگر در ابتدا، اظهار تأسف نماید، شاید بزه‌دیده تصور کند که او در بیان توجیه رفتار خود و بهانه‌تراشی است تا پذیرفتن مسئولیت خود. دوماً این که بزهکار باید درصدد جبران خسارت وارده باشد و بگوید که این اتفاق دیگر نخواهد افتاد؛ تا جایی که امکان دارد، تمام تلاش خود را در بازگرداندن بزه‌دیده به وضعیت قبلی بکند.

با این اوصاف، اگر عذرخواهی در زمان مناسب و بلافاصله، بعد از ارتکاب جرم باشد، بهتر از یک عذرخواهی دیر هنگام است. همچنین، عذرخواهی چهره‌به‌چهره مؤثرتر خواهد بود تا این که به وسیله نامه یا تلفن انجام گیرد (شف، ۱۹۹۸: ۷). همچنین، عذرخواهی در فضای شخصی نسبت به عذرخواهی در جمع بهتر است؛ اگرچه بسته به مورد خاص می‌تواند در جمع باشد، ولی اصولاً در محیطی خلوت که آنان بتوانند با هم صحبت کنند، تأثیرگذاری

عذرخواهی بیشتر خواهد بود. از طرفی دیگر، آن احساس عاطفی لازم که باید بین شان وجود داشته باشد، در این نوع فضا بهتر شکل می گیرد (هایز، ۲۰۰۶: ۳۶۸-۳۸۵).

بنابراین، طی این فرایند است که عذرخواهی تاثیرگذار و نتیجه بخش خواهد بود؛ هر چند که در اوضاع و احوال مختلف و بسته به شرایط و خصوصیات و ویژگی های افراد، عذرخواهی متفاوت است، اما انتظار می رود این موارد عناصر و عوامل اصلی در هر عذرخواهی باشند.

به عبارتی دیگر، نمی توان عذرخواهی را ابزاری ساده دانست، بلکه نیازمند آموزش و تمرین در بیان محتوا و مفاهیم مربوطه و در چارچوب مشخص است تا مؤثر و کارآمد باشد.

قانون گذار عذرخواهی را شناسایی کرده است، لذا مفهومی حقوقی است که باید شرایط و اجزای مخصوص به خود را داشته باشد؛ امری که واگذاری آن به عرف پذیرفته نیست، چرا که در حقوق ایران، مطالعات حقوقی و در عین حال، قوانین چندانی در این زمینه وجود ندارد؛ علی رغم این که فواید و اثرات مهمی در تسکین دردهای روحی بزه دیده و حتی بزهکار دارد.

لذا، قوانین باید به گونه ای باشد که آن احساس عاطفی بین بزه دیده و بزهکار شکل بگیرد و آنان بتوانند آن را انتقال دهند؛ این امر تأثیرپذیری عذرخواهی را ممکن می سازد (شف، ۱۹۹۸: ۱۱۹).

قدرت عذرخواهی برای بازگرداندن وضعیت باعث می شود بزهکاران تظاهر به عذرخواهی نمایند و عذرخواهیشان دروغین باشد؛ لذا، با آگاهی از قدرت بالقوه یک عذرخواهی، برای بدست آوردن مزیت آن، به طور غیرواقعی عذرخواهی می کند. با این وجود، اکثر این نوع عذرخواهی های غیرواقعی، توسط بزه دیده، قابل تشخیص است و در نتیجه، با واکنش منفی هم روبروست و حتی منجر به آسیب بیشتر به بزهکار می گردد. به همین منظور، در فرایند میانجی گری بزهکاران باید برای جبران خطایی که مرتکب شده اند، کاری انجام دهند و با این کار خود، به اشتباه بودن عمل خویش اعتراف کنند تا بدین وسیله نظر بزه دیده را جلب کند و در جهت رفع آسیب های وارده به وی کوشش نماید. این گونه عذرخواهی می تواند به فرایند بازپذیری بزهکار کمک کند. بنابراین، بزهکار باید پشیمان باشد و طلب بخشایش کند تا بزه دیده او را ببخشد و این بخشش کمک زیادی به بازپذیری بزهکار می کند.

۲. فرآیند عذرخواهی در سیستم عدالت کیفری

با توجه به اهمیت جایگاه خسارت معنوی ناشی از جرم، می‌بینیم زمانی که فرد زیان‌دیده از جرم متحمل خسارات مالی شده است، به تبع آن جرم، شخصیت روحی و روانی او نیز آسیب می‌بیند؛ به عنوان مثال، در برخی جرائم غیرعمدی مانند بی‌احتیاطی رانندگان یا عدم مراقبت مالکان و متصدیان وسایل نقلیه موتوری که وقوع سوانح مختلفی را موجب می‌شود، برای تأمین امنیت و حفظ نظم اجتماعی و رعایت عدالت باید خسارت‌های وارد شده و آنچه در آینده از آن خسارت ناشی خواهد شد، جبران گردد. این ضرر و خسارت منحصر به ضرر مادی و مالی نیست. انسان در برابر لطمات روحی نیز آسیب‌پذیر است. گاه این آسیب‌ها توسط زیان‌دیده بروز نمی‌کند و در نتیجه آن، روزه‌روز، اثرات روانی جبران‌ناپذیری بر فرد به جای می‌گذارد (مقدسی و ابویی، ۱۳۹۵: ۱۰).

عذرخواهی که در نظام عدالت کیفری با حضور قاضی دادگاه در محکمه و فرایند رسیدگی کیفری ارائه می‌شود، بسیار ارزشمند است. قدرت عذرخواهی برای سازش بین بزه‌کار و بزه‌دیده، حل و فصل رضایت‌بخش‌تری از اختلاف حقوقی که از طریق دعوا می‌تواند ایجاد کند، به ارمغان می‌آورد (راچلینسکیو همکاران، ۲۰۱۲: ۱۱۹۹)؛ چرا که حل و فصل اختلافات مربوط به آسیب‌های روحی، با استفاده از عذرخواهی بجای پول، بسیار مناسب‌تر و بهتر است. بسیاری از عذرخواهی‌ها می‌تواند جعلی و غیر واقعی باشد و لذا، اگر قاضی متوجه آن بشود، قطعاً می‌تواند اوضاع را برای یک متهم بسیار بدتر کند؛ بنابراین، سکوت و یا حتی عدم پشیمانی و عذرخواهی نکردن بهتر از عذرخواهی دروغین است و چه بسا منجر به تشدید مجازات وی شود.

عذرخواهی معضلی است که متهمان با آن روبرو هستند. خواه صادق باشند یا صرفاً معتقد باشند که عذرخواهی در دادگاه به آنها کمک خواهد کرد، معذرت‌خواهی می‌تواند مضر باشد؛ به ویژه، عذرخواهی از قضات، که می‌توانند نسبت به انگیزه‌های طرفین که در مقابل آنها حضور دارند، تردید کنند، غیرعقلانه است. لذا، این سؤال پیش می‌آید که آیا بزه‌کار باید در برابر قاضی اظهار پشیمانی نماید و از او به عنوان نماینده جامعه، بابت رفتار و جرمی که مرتکب شده، عذرخواهی کند؟

اثر حقوقی این امر آن است که بزه‌کار با عذرخواهی می‌پذیرد که مقصر است و مسئولیت خطای خود را برعهده می‌گیرد، به همین دلیل است که در بین وکلا رایج است که از

عذرخواهی پرهیز کنند؛ چرا که به منزله اعتراف و اقرار به جرم است. از طرفی دیگر هم نمی‌توان بر این اعتقاد بود که قاضی عذرخواهی را واقعی پندارد، چرا که قضات را نمی‌توان ملزم به پذیرش عذرخواهی دانست.

عذرخواهی لزوماً، به معنای پذیرش مسئولیت نیست و لذا، قانونگذار می‌تواند عذرخواهی را تنها به معنای احساس پشیمانی در نظر بگیرد و یا آن را به معنای پذیرش مسئولیت تلقی کند. در حقوق ایران، قاعده‌ای در این خصوص وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد عذرخواهی نمی‌تواند به طور مطلق به معنای پذیرش مسئولیت باشد (اکبری آرائی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۹)؛ چرا که نمی‌تواند دلیلی برای اثبات جرم باشد، مگر آن که دادرسی به طرق معتبر نسبت به آن علم پیدا کند. با این وجود، به دلیل عملکرد و فواید اجتماعی عذرخواهی و نقش اصلاحی و تسکین‌دهندگی آن در روابط بین افراد، می‌توان آن را واقعی دانست و یا حداقل با فرض این که واقعی است، در ایجاد یک فرهنگ صحیح عذرخواهی در جامعه تلاش کنیم. همچنین، در نظام حقوقی ایران، مطابق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، عذرخواهی در قبال جبران زیان ناشی از جرم و اظهار ندامت و پشیمانی از کردار و رفتار خود، از جهات تخفیف مجازات در نظر گرفته شده است.

۳. فرایند عذرخواهی در سیستم عدالت ترمیمی

بحث و گفتگو در مورد جرم را از دو جنبه می‌توان در نظر گرفت: (۱) از منظر عدالت کیفری و (۲) عدالت ترمیمی. از منظر عدالت کیفری، رسیدگی و بحث و گفتگو بر سر جرمی که در جامعه اتفاق افتاده، می‌باشد و فرصت چندانی به بزه‌دیده و بزه‌کار برای گفتگو نمی‌دهند، بلکه باید با قاضی به عنوان نماینده جامعه در دادگاه صحبت کرد؛ اما در عدالت ترمیمی، ارتباط و گفتگو بین طرفین (بزه‌دیده و بزه‌کار) جرم است؛ در صورت لزوم، با کمک یک مجری یا میانجیگر.

با این حال، روند دادرسی معمولاً به صورت خصوصی است (همان‌طور که در دستورالعمل اتحادیه اروپا در خصوص بزه‌دیدگان مصوب ۲۰۱۲ آمده است) و فقط چند شکل از عدالت ترمیمی شامل حضور رسمی مأمور دولت است تا ارتباط و مکالمه بین آنان را هدایت نماید (شپلند، ۲۰۱۶: ۹۸).

فرآیند گفتگو به تدریج تغییر یافت، چرا که در گذشته، بزه‌کار از محضر دادگاه عذرخواهی می‌نمود بدون این که در این خصوص با بزه‌دیده صحبتی داشته باشد و دادگاه نیز این عذرخواهی را به بزه‌دیده منتقل می‌نمود (شپلند، ۲۰۱۶: ۹۹)؛ اما در حال حاضر، این فرایند

در حوزه عدالت ترمیمی، با ایجاد فضایی برای بزه‌دیده و بزه‌کار انجام می‌گیرد تا بزه‌کار بتواند احساس خود را مستقیماً به بزه‌دیده منتقل کند و راهی برای جبران خسارت وی پیدا کرده و به او کمک کند و در عین حال، اگرچه بزه‌کار می‌بایست عذرخواهی کند، با این وجود بزه‌دیده هم این احساس برایش ایجاد می‌شود تا بتواند کمکی به بزه‌کار بکند تا مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد که دیگر مرتکب جرم نشود و دیگران نیز از وی در امان باشند. لذا، این تبادل و ارتباط بین آنان می‌تواند موجب رضایت هر دوی آن‌ها باشد.

۳-۱. میانجیگری

در حقوق کیفری، میانجیگری یکی از مهم‌ترین راهبردهای آموزه‌های عدالت ترمیمی است (رضوانی و کردعلیوند، ۱۳۹۷: ۶۶۲) که با هدف جبران خسارت زیان‌دیده از جرم و از بین بردن یا کاستن از آلام وی تلاش می‌شود که در چارچوب فرایند مذاکره و مصالحه اختلاف بین زیان‌دیده و بزه‌کار حل و فصل شود و به بهترین طریق ممکن و مطابق با نیازها و خواسته‌های بزه‌دیده، ضررهای وارده بر او جبران گردد (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

متناسب با سیستم حقوقی هر کشور، پرونده کیفری می‌تواند توسط پلیس در همان مرحله مقدماتی، توسط دادستان و یا حتی مجریان حکم مانند مقامات زندان به میانجی‌گری احاله شده و یا حتی توسط آن‌ها اجرا یا نظارت شوند (جانی پور و قریب، ۱۳۹۶: ۲۳۸). در حقوق ایران، بیشترین امکان احاله پرونده به میانجی‌گری کیفری، بر طبق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ که مجازات آن‌ها قابل تعلیق هستند، وجود دارد.

میانجی‌گری به عنوان یک فرایند گفتگو محور می‌تواند این فرصت را به بزه‌کار و بزه‌دیده بدهد تا بتوانند به نقطه نظر مشترک برسند، حتی با حضور اعضای خانواده، دوستان و یا همکاران همراه باشد و به این ترتیب، بزه‌کار از بزه‌دیده در راستای جبران ضرر معنوی عذرخواهی می‌کند و درد و صدمات وارده را التیام ببخشد.

در سایه عدالت ترمیمی که رضایت و توافق طرفین دعوی عنصر اساسی و اصلی این فرایند محسوب می‌شود، می‌توان در جهت حل و فصل اختلافات با استفاده از عذرخواهی بهره جست. بنابراین، در جرائم تعزیری درجه شش تا هشت، بر اساس ماده ۸۱ و ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری، علاوه بر این که مقام قضایی می‌تواند برای رفع دعوی خصوصی مهلت حداکثر دوماه به طرفین بدهد تا دعوی را خارج از محیط دادگاه و از طریق میانجی‌گری حل و فصل کنند، بلکه این امکان وجود دارد که در صورت توافق در میانجی‌گری، از لحاظ دعوی عمومی نیز، مجازات را به حالت تعلیق درآورد. به عبارت دیگر، سازش و توافق

حاصله از طریق میانجیگری بین بزه‌دیده و بزه‌کار، علاوه بر این که منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب در جرائم قابل گذشت می‌شود، بلکه در جرائم غیرقابل گذشت نیز به مقام قضایی اجازه صدور قرار تعلیق مجازات را نیز می‌دهد که این امر نشان می‌دهد که قانونگذار از نظام عدالت کیفری مکافات‌گرا به سمت اعمال نظام عدالت کیفری که با شخصیت و موقعیت اجتماعی متهم سازگاری دارد، رفته است (جانی پور و قریب، ۱۳۹۶: ۲۴۴).

در یک فرایند ترمیمی، که باید با توافق بین بزه‌دیده و بزه‌کار حاصل شود، توافق موجب می‌شود که فرایند ترمیمی را یک فرایند سازشی بدانیم که حتی خود بزه‌کار می‌تواند پیش‌قدم شود و آمادگی‌اش را برای جبران و التیام آسیب‌های وارده اعلام کند (شیری، ۱۳۹۷: ۱۳۰). هدف از این توافق باید ترمیم باشد؛ ضررهای معنوی بزه‌دیده ترمیم گردد و موجب بهبود رابطه بزه‌کار - بزه‌دیده شود، چرا که در راستای بازپذیری دوباره بزه‌کار و بزه‌دیده به جامعه صورت می‌پذیرد (شیری، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

عذرخواهی در این فرآیند نقش مهمی ایفا می‌کند. این عمل می‌تواند به‌عنوان شکلی از جبران معنوی و بازسازی پیوندهای آسیب‌دیده اجتماعی مطرح شود. در بسیاری از موارد، بزه‌کار با ابراز پشیمانی و عذرخواهی از بزه‌دیده، احساسات خشم و آسیب روانی او را کاهش داده و به نوعی، هر دو طرف به آرامش روحی دست می‌یابند. عذرخواهی در فرآیند میانجی‌گری، نه تنها بر کاهش احساس شرم و عذاب وجدان بزه‌کار مؤثر است، بلکه به بازسازی وجهه اجتماعی او کمک می‌کند و شرایطی را برای بازگشت سالم او به جامعه فراهم می‌آورد.

۲-۳. صلح و سازش

در قانون آیین دادرسی کیفری، «صلح و سازش» جدا از موضوع «میانجیگری» مطرح شده است^۱. صلح و سازش، به‌ویژه در فرآیند عدالت ترمیمی، رابطه‌ای نزدیک و مکمل با عذرخواهی دارند. در این فرآیند، هدف اصلی، بازگرداندن روابط میان بزه‌کار و بزه‌دیده به وضعیتی متعادل و آرام است، به‌طوری که آسیب‌ها و زیان‌های وارد شده جبران شوند و حس

۱. در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به رأی، اجرای رأی، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضائی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود».

رضایت و پذیرش در طرفین ایجاد گردد. عذرخواهی در این میان، یکی از ابزارهای کلیدی برای تحقق صلح و سازش است.

صلح و سازش به حل و فصل توافقی و مسالمت‌آمیز اختلافات و دعاوی ناشی از جرم میان بزهکار و بزه‌دیده گفته می‌شود. برخلاف برنامه‌های دیگر عدالت ترمیمی، صلح و سازش همیشه نیازمند مدیریت و مساعدت شخص میانجیگر نیست و ممکن است طرفین دعاوی کیفری خود رأساً و بدون مداخله اشخاص دیگر به صلح و سازش اقدام کنند. علاوه بر این، هدف برنامه صلح و سازش صرفاً رفع خصومت و تنش میان طرفین و حل و فصل اختلافات به صورت عادلانه است؛ ولی در برنامه‌های دیگر عدالت ترمیمی، علاوه بر رفع خصومت و تنش میان طرفین دعوی، اهداف دیگری مانند شرم‌نده‌سازی و بازاجتماعی‌کردن بزهکار نیز مورد توجه است (رحیمی نژاد، ۱۴۰۱: ۶۷).

عذرخواهی به‌عنوان گامی اساسی در بازسازی روابط، فرصتی را برای بزهکار فراهم می‌کند تا از رفتار خود ابراز پشیمانی و مسئولیت‌پذیری کند و پیامدهای آن را بپذیرد. این عمل از لحاظ روانی باعث کاهش خشم و ناراحتی بزه‌دیده می‌شود و احساس احترام و دیده‌شدن را در او تقویت می‌کند. به این ترتیب، عذرخواهی اولین مرحله برای ایجاد زمینه‌های صلح و سازش و بهبود رابطه میان بزهکار و بزه‌دیده است.

تفاوتی که راهبرد صلح و سازش با دیگر برنامه‌های عدالت ترمیمی، به ویژه میانجیگری کیفری در سیستم دادرسی کیفری ایران دارد، این است که صلح و سازش می‌تواند از طریق میانجیگری و یا طرق دیگر حاصل شود. علاوه بر این، صلح و سازش می‌تواند در هر مرحله از مراحل تعقیب، رسیدگی، صدور و اجرای حکم اعمال شود؛ ولی میانجیگری به مرحله تعقیب و رسیدگی محدود است (رحیمی نژاد، ۱۴۰۱: ۶۷).

بنابراین، صلح و سازش در فرآیند عدالت ترمیمی با عذرخواهی همسو بوده و به‌عنوان راهکاری انسانی و مؤثر برای حل و فصل مسالمت‌آمیز تعارضات و آسیب‌ها عمل می‌کند. این امر بر بازگشت پایدار بزهکار به جامعه و بازسازی فضای اعتماد اجتماعی نیز تأثیر مثبت می‌گذارد.

۳-۳. نشست‌های خانوادگی

به منظور اشاعه روش‌ها و برنامه‌های عدالت ترمیمی و ازبین‌بردن نقاط ضعف برنامه میانجیگری میان بزه‌دیده- بزهکار، برنامه دیگری در راستای جبران آسیب‌های وارده بر بزه‌دیده تحت عنوان نشست‌های گروهی و خانوادگی پا به عرصه می‌گذارد؛ نشست‌های گروهی و

ایجاد کنفرانس‌ها و حلقه‌های آشتی شیوه‌هایی دیگر در اجرای دادرسی ترمیمی هستند. نشست‌های خانوادگی در فرآیند عدالت ترمیمی به عنوان فضایی برای بیان احساسات، ابراز پشیمانی و ایجاد فرصت‌های بازسازی روابط میان بزهکار، بزه‌دیده و خانواده‌های آنان عمل می‌کنند. این نشست‌ها، که به‌طور معمول با حضور اعضای خانواده و در برخی موارد، دوستان و افراد نزدیک دو طرف برگزار می‌شود، به بزهکار فرصتی می‌دهند تا از رفتار خود عذرخواهی کند و پشیمانی خود را به‌صورت مستقیم و صادقانه ابراز نماید.

این برنامه در سیستم دادرسی کیفری ایران به رسمیت شناخته نشده است. هرچند در مواد ۱، ۱۸ و ۲۷ آیین‌نامه میانجیگری در امور کیفری به حضور سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش، از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران، اعضای جامعه محلی، نهادهای ذی‌ربط رسمی، عمومی یا مردم‌نهاد، مدرسه یا سایر نهادهای ذی‌ربط در فرآیند میانجیگری اشاره شده است، لکن این امر هرگز به معنای پذیرش برنامه‌های نشست خانوادگی یا محافل صدور حکم در نظام عدالت کیفری ایران نیست؛ زیرا اولاً، دعوت از این افراد به حضور در نشست میانجیگری توسط میانجیگر کاملاً اختیاری است و هیچ‌گونه الزام قانونی در این خصوص وجود ندارد. ثانیاً، این دعوت محدود به موارد ضروری بوده که تشخیص آن با میانجیگر است (رحیمی نژاد، ۱۴۰۱: ۴۷۷).

هدف از این نشست‌ها و کنفرانس‌ها، کمک بیشتر به خانواده‌ها در روند کار، شناخت نیازهای بزه‌دیده و کمک به برقراری هماهنگی در کل جامعه است. مجازات‌های احتمالی شامل خدمات اجتماعی، عذرخواهی، جبران خسارت یا شرکت در یک برنامه درمانی یا مشاوره‌ای است که در صورت توافق، هیچ اتهامی علیه مجرم مطرح نمی‌شود (منصورآبادی و کرامتی معز، ۱۴۰۰: ۱۰۹).

عذرخواهی در این فضا و با حضور خانواده و نزدیکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا حمایت عاطفی افراد حاضر به هریک از طرفین کمک می‌کند تا احساس امنیت بیشتری داشته و با احساس مسئولیت‌پذیری و خلوص، عذرخواهی خود را بیان کنند. در این نشست‌ها، بزه‌دیده نیز فرصتی پیدا می‌کند تا درد و رنج خود را به اشتراک بگذارد و درباره اثرات منفی رفتار بزهکار بر خود و خانواده‌اش صحبت کند. این فرآیند علاوه بر کمک به درک بهتر دو طرف از موقعیت و احساسات یکدیگر، زمینه را برای ترمیم روابط آسیب‌دیده و افزایش حس همدلی و پذیرش فراهم می‌کند.

۴. تأثیر عذرخواهی بر سه ضلع جرم

در بررسی ابعاد مختلف جرم، سه ضلع اصلی شامل بزهکار، بزه‌دیده و جامعه وجود دارند که هر یک به نوعی تحت تأثیر اعمال و پیامدهای جرم قرار می‌گیرند. این سه ضلع با تعامل و تأثیر متقابل، ساختار کلی جرم و پاسخ به آن را شکل می‌دهند. یکی از عوامل مهم که می‌تواند در فرآیند رسیدگی و حل و فصل اثرگذار باشد، عذرخواهی بزهکار است که در این قسمت به تأثیر ابعاد آن خواهیم پرداخت.

۴-۱. تأثیر عذرخواهی بر بزه‌دیده

سوالی که در این زمینه مطرح می‌شود، این است که آیا بزه‌دیده باید مرکز توجه در عذرخواهی باشد یا خیر؟ به عبارتی دیگر، آیا عذرخواهی باید از منظر بزه‌دیده و با توجه به نیازهای وی، مطرح بشود و یا متناسب با جرم صورت گرفته و دلایل ابرازی صورت بگیرد؟

اگر به نیازهای بزه‌دیده توجه داشته باشیم، عذرخواهی باید به درخواست او صورت گیرد، نه اینکه قانون در شرایط خاص، مرتکب را ملزم به عذرخواهی کند. دلیل این امر آن است که با قرار دادن بزه‌دیده در مرکز توجه، احساس اعتماد به نفس، اطمینان و قدرت در او تقویت می‌شود. این امر نه تنها به بهبود وضعیت روانی بزه‌دیده کمک می‌کند، بلکه احتمال قربانی شدن مجدد او را نیز کاهش می‌دهد و از این جهت تأثیر قابل توجهی دارد (کری،^۱ ۲۰۱۷: ۴۴۶). بنابراین، در فرآیند عدالت ترمیمی، عذرخواهی نمی‌تواند بر بزهکار و بزه‌دیده تحمیل شود، بلکه این امر باید از سوی بزه‌دیده درخواست گردیده و در راستای تسکین دردهای روحی و جبران ضررهای معنوی وارده بر وی باشد، نه آن که رفع تکلیفی برای بزهکار تا از مجازات وی کاسته شود. لذا، بزهکار باید خود را جای بزه‌دیده بگذارد و آنچه را انتظار دارد خود بشنود، برای بزه‌دیده بیان نماید تا عذرخواهی مؤثر باشد (کرامتی معز، ۱۴۰۳: ۱۹۶).

در آموزه‌های عدالت ترمیمی، به خصوص در فرآیند میانجیگری، خسارات وارده بر بزه‌دیده به جهت آسیب‌ها و ضرر و زیان‌های وارده به وی باید به نحو مطلوبی جبران شود. وقتی بزهکار داوطلبانه مسئولیت جبران خسارت را می‌پذیرد و از بزه‌دیده عذرخواهی می‌کند، احساس امنیت‌خاطری در بزه‌دیده به وجود می‌آید که می‌تواند هم رابطه دو طرف را ترمیم کند و هم خسارت وارده را جبران نماید. بزه‌دیده هم خسارت‌ها و آسیب‌های وارده بر او جبران می‌گردد و یا حداقل می‌پذیرد که بزهکار در جهت رفع این آسیب‌ها تلاش و کوشش لازم را به عمل می‌آورد (شیری، ۱۳۹۷: ۳۰۱-۳۰۰).

1. Carrie

لذا، این فرایند احساس انتقام و عدم امنیت را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد و به دنبال آن می‌توان انتظار داشت که بزه‌دیده عذرخواهی را بپذیرد؛ اگرچه ضرورتاً به معنای بخشیدن بزه‌کار نیست، به خصوص در جرائم شدید که میزان خسارت زیاد باشد؛ برای مثال، جرایمی چون تجاوز جنسی، جرمی غیرقابل‌بخشش به نظر می‌رسد که احساسی منفی در بزه‌دیده به همراه دارد. لذا، در عدالت ترمیمی، این احساس منفی و ناخوشایند در طول ارتباط و گفتگو تغییر می‌کند و به سمت بهبودی پیش می‌رود که به معنای نتیجه‌بخش بودن آن بوده و به بزه‌دیده کمک زیادی می‌کند (شپ‌لند، ۲۰۱۶: ۱۱۰).

در نهایت، عذرخواهی می‌تواند به بزه‌دیده کمک کند که از مرحله بزه‌دیده‌بودن عبور کرده و به مرحله بازسازی و رشد دست یابد. پذیرش عذرخواهی می‌تواند به بزه‌دیده کمک کند تا بر آسیب‌های گذشته فائق آمده و بجای تمرکز بر رنج و آسیب، به زندگی جدیدی دست یابد.

۴-۲. تأثیر عذرخواهی بر بزه‌کار

همان‌طور که عذرخواهی اثرات مطلوبی برای بزه‌دیده دارد، بر رفتار بزه‌کار هم تأثیرگذار است. وی نیاز دارد تا عذرخواهی کند، اما این نیاز مغایر با کرامت انسانی نیست. برای وی، حفظ احترام به خود در حضور بزه‌دیده دشوار است، اما عذرخواهی می‌تواند این عزت‌نفس را دوباره برقرار کند. لذا، باید دانست که عدم عذرخواهی یا عدم توانایی در عذرخواهی موفقیت‌آمیز می‌تواند منجر به تنش در روابط، کینه و انتقام شود (ریهم و دنیس، ۱۹۹۶: ۱۱۶). بنابراین، وقتی بزه‌کار از بزه‌دیده عذرخواهی می‌کند، در صورتی که عذرخواهی صادقانه و مؤثر باشد، می‌تواند احساس حقارت بزه‌کار را التیام بخشد و باعث بخشش شود.

بسیاری از محققان حقوقی اظهار داشته‌اند که بزه‌کارانی که عذرخواهی می‌کنند، نسبت به آنانی که این کار را انجام نمی‌دهند، به گونه‌ای بهتری با آنان رفتار می‌شود (راچلینسکی و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲۰۳)؛ از طرفی هم اگر بزه‌کار در جلسه دادرسی از روی پشیمانی عذرخواهی می‌کند، قطعاً در نحوه و میزان مجازات وی تأثیرگذار است.

عذرخواهی می‌تواند تأثیرات عمیقی بر بزه‌کار بگذارد، به‌ویژه در چارچوب فرآیند عدالت ترمیمی. این اقدام ساده اما قدرتمند می‌تواند منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری و رشد شخصیتی در بزه‌کار شود. هنگامی که بزه‌کار از عمل خود پشیمان شده و به‌صورت صادقانه عذرخواهی می‌کند، این فرآیند به او فرصتی می‌دهد تا پیامدهای رفتار خود را درک کند و احساس مسئولیت بیشتری نسبت به آثار آن بر دیگران داشته باشد؛ چنین تجربه‌ای می‌تواند عاملی در

تغییر نگرش و حتی رفتارهای آینده فرد باشد، به طوری که از تکرار رفتارهای مجرمانه پرهیز کند.

۳-۴. تأثیر عذرخواهی بر جامعه

عذرخواهی بزهکار می تواند تأثیرات مهمی بر جامعه داشته باشد، به ویژه در زمینه ایجاد اعتماد دوباره، کاهش احساس انتقام جویی و تقویت همبستگی اجتماعی. در فرآیند عدالت ترمیمی، عذرخواهی بزهکار به عنوان گامی مؤثر برای ایجاد پیوند دوباره میان بزهکار، بزه دیده و جامعه عمل می کند و به بازسازی روابط آسیب دیده کمک می کند.

یکی از تأثیرات مهم عذرخواهی بزهکار بر جامعه، کاهش احساس انتقام جویی و خشم عمومی است. وقتی بزهکار از عمل خود عذرخواهی می کند و به جبران زیانها تعهد می دهد، بزه دیدگان و سایر اعضای جامعه به جای احساسات منفی مانند خشم و نفرت، ممکن است حس پذیرش و بخشش را تجربه کنند. این امر به کاهش تنش های اجتماعی و پیشگیری از خشونت های احتمالی کمک می کند و محیطی صلح آمیزتر ایجاد می کند.

عذرخواهی بزهکار می تواند به ترمیم اعتماد اجتماعی نیز کمک کند. وقتی جامعه می بیند که بزهکار به اشتباه خود اعتراف کرده و از آن پشیمان است، تمایل بیشتری برای بازپذیری او نشان می دهد. این بازپذیری به او اجازه می دهد به جای انزوای اجتماعی، به فردی مسئولیت پذیر تبدیل شود. این نوع تعاملات، به ویژه در مواردی که بزهکار به طور واقعی برای اصلاح خود تلاش می کند، به تقویت روابط اجتماعی و ایجاد حس امنیت بیشتر در جامعه کمک می کند.

بحث و نتیجه گیری

عذرخواهی به عنوان یکی از سازوکارهای عدالت ترمیمی، نقشی اساسی در ترمیم زیان‌های معنوی بزه‌دیده و تسهیل بازگشت بزه‌کار به جامعه ایفا می‌کند. این اقدام، نه تنها بیانگر پذیرش مسئولیت از سوی بزه‌کار است، بلکه با اذعان به اشتباه و ابراز ندامت، به بازگرداندن اعتماد به نفس بزه‌دیده کمک کرده و حس احترام و تسکین خاطر او را تقویت می‌کند. عذرخواهی همچنین می‌تواند احساس خشم و انتقام‌جویی را در بزه‌دیده کاهش دهد و زمینه‌ساز صلح و سازش باشد.

برای بزه‌کار نیز عذرخواهی فرصتی است تا مسئولیت‌پذیری خود را نشان داده و گامی در مسیر اصلاح و جبران آسیب‌های وارده بردارد. از منظر حقوقی، بهره‌گیری از سازوکار عذرخواهی می‌تواند در کاهش تنش‌های ناشی از جرم و تسهیل فرآیندهای صلح و میانجیگری کیفی مؤثر باشد. این موضوع در نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در چارچوب قوانین عدالت ترمیمی، شایسته توجه ویژه است.

علاوه بر این، از منظر جرم‌شناسی، عذرخواهی می‌تواند به عنوان ابزاری پیشگیرانه برای کاهش احتمال تکرار جرم عمل کند. ترویج فرهنگ عذرخواهی و مسئولیت‌پذیری، بزه‌کاران را به بازاندیشی در رفتارهای خود ترغیب می‌کند و زمینه را برای اصلاح و بازگشت آنان به جامعه فراهم می‌آورد.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود که سازوکار عذرخواهی در فرآیندهای قانونی و قضایی بیش از پیش مورد استفاده قرار گیرد. با تقویت جایگاه عذرخواهی در نظام عدالت کیفری و تبیین آثار مثبت آن، می‌توان گامی مؤثر در جهت جبران خسارت‌های معنوی بزه‌دیدگان و بازسازی روابط اجتماعی برداشت.

منابع

- اسدی، لیلیاسادات. (۱۳۸۸). جبران خسارت ناشی از جرم در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی. حقوقی دادگستری، ۷۳ (۶۸)، ۹۱-۶۵.

https://www.jlj.ir/article_11218.html

- اکبری آرائی، منصور؛ نیک‌خواه، رضا و جعفرزاده، سیامک. (۱۳۹۹). عذرخواهی به عنوان یکی از شیوه‌های جبران خسارت معنوی در مسئولیت مدنی. حقوقی دادگستری، ۸۴ (۱۰۹)، ۲۷۱-۲۵۰.

https://www.jlj.ir/article_37984.html

- بادینی، حسن. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق معنوی مربوط به شخصیت و حقوق بشر. فصلنامه حقوق، ۴۲ (۱)، ۱۰۷-۸۹.

https://jlq.ut.ac.ir/article_29818.html

- جانی پور، مجتبی و قریب، رخساره. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجیگری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۸ (۱۵)، ۲۵۸-۲۳۸.

https://jol.guilan.ac.ir/article_2294.html

- شیرینی، عباس (۱۳۹۷). عدالت ترمیمی، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- درویشی، یوسف. (۱۳۹۰). مطالعه‌ای بر میانجیگری به عنوان روش دوستانه حل و فصل اختلافات. مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱ (۴)، ۱۳۷-۱۲۱.

https://jlq.ut.ac.ir/article_29764.html

- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۴۰۱). سیستم دادرسی کیفری ایران در پرتو مدل‌های عدالت ترمیمی، حقوق کیفری بویا، مجموعه مقاله‌ها در پاسداشت استاد دکتر محمدعلی اردبیلی، به کوشش نسریه مهراو امیرحسن نیازپور. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- رحیمی نژاد، اسمعیل. (۱۳۹۸). رابطه عدالت ترمیمی با نظریه‌های جرم‌شناسی، دایرالمعارف علوم جنایی، کتاب چهارم (علوم جنایی تجربی)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

- رضوانی، سودابه و کردعلیوند، روح الدین. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی کاربرد آموزه‌های عدالت ترمیمی در مدرسه. مطالعات حقوق تطبیقی، ۹ (۲)، ۶۸۳-۶۶۱.

https://jcl.ut.ac.ir/article_69830.html

- علی اکبری، راضیه. (۱۴۰۱). جایگاه فرهنگ عذرخواهی و عذرپذیری در آموزه‌های دینی. نشریه ره توشه، ۹ (۹)، ۱۲۳-۱۱۵.

https://rahtooosheh.dte.ir/article_72391.html

- صفاری، علی و صابری، راضیه. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی صلح‌طلب: رویکرد آن به جرم و راهکارهای مقابله با جرم. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۴ (۵۳)، ۱۶۶-۱۴۹.

http://cps.jrl.police.ir/article_93544.html

- کرامتی معز، هادی. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی (طرح مباحث نوین در دانش جرم‌شناسی). چاپ دوم. شرکت سهامی انتشار.

-مقدسی، مهدی و ابویی، روح الله. (۱۳۹۵). وضعیت حقوقی خسارت معنوی ناشی از جرم با تاکید بر جرائم نیروهای مسلح. چاپ اول. چتردانش.

-منصورآبادی، عباس؛ کرامتی معز، هادی و کارگر شریف آباد، علیرضا. (۱۴۰۰). مبانی و جلوه‌های جایگزین‌های دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان. پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۲ (۵۳)، ۹۱-۱۱۴.
https://ilr.isu.ac.ir/article_75759.html

-موسوی مجاب، سید درید و پارسایی، رضا. (۱۳۹۶). راهبرد پیشگیرانه برنامه‌های عدالت ترمیمی در پرتو نظریه‌ی شرمساری، دانشنامه عدالت ترمیمی (مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم)، زیر نظر دکتر محمد فرجیها. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

-نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶). بسترهای اجتماعی و حقوقی عدالت ترمیمی در ایران، دانشنامه عدالت ترمیمی (مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی عدالت ترمیمی و پیشگیری از جرم)، زیر نظر دکتر محمد فرجیها. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.

-ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری. (۱۳۹۴). جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی). چاپ هشتم. سمت.

-Braithwaite, John (1989). *Crime, Shame and Reintegration*, 1st Published Cambridge University Press.

-Carrie, Petrucci (2017). Apology in the Criminal Justice Setting: An Update, *Onati Socio-legal Series*, 7(6), 437-454.
<https://ssrn.com/abstract=2273200>

-Hayes, H (2006). Apologies and Accounts in a Youth Justice Conference: Reinterpreting Research Outcomes, *Contemporary Justice Review*, 9(4): 368-385.
<https://doi.org/10.1080/10282580601014292>

-Morris A & Maxwell G (1997). Reforming Juvenile Justice: The New Zealand Experiment, *the Prison Journal*, 77(2), pp 125-134.
[10.1007/978-0-387-89295-5](https://doi.org/10.1007/978-0-387-89295-5)

-Rachlinski, Jeffrey J. Chris Guthrie, and Andrew J. Wistrich (2012). Contrition in the Courtroom: Do apologies Affect Adjudication. *Cornell L. Rev.* 98.

-Rehm, Peter H., and Denise R. Beatty (1996). *Legal consequences of apologizing.* J. Disp. Resol.

-Shapland, Joanna (2016). Forgiveness and Restorative Justice: Is It Necessary? Is It Helpful? *Oxford Journal of Law and Religion* 5.1: 94-112
<https://doi.org/10.1093/ojlr/rwv038>

-Scheff, T.J(1998). Therapeutic Jurisprudence Forum: Community Conference: Shame and Anger in Therapeutic Jurisprudence, *Revista Juridica Universidad de Puerto Rico*, 67, 7-119

-Stephanos Biba & Richard A, Bierschbach (2004). *Integrating Remorse and Apology into Criminal Procedure*, 114 Yale L.J. 85-138
<https://doi.org/10.2307/4135717>